

مقاله پژوهشی: تأثیر راهبرد «پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و پایان جنگ از سوی ج.ا.ایران» بر حوادث پس از آن تا سقوط صدام در سال ۱۳۸۲ (۲۰۰۳ م)

محسن رضایی میرقائد^۱، سیدیحیی صفوی^۲، هادی مرادپیری^۳، محمدحسن محقق^۴

پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۵/۰۵

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۴/۰۵

چکیده

در مورد چرایی حمله عراق به کویت دو نظر «توطئه آمریکا» و «مشکلات داخلی عراق» مطرح است. هدف این مقاله بررسی تأثیر راهبرد ج.ا.ایران در پایان جنگ (پذیرش قطعنامه ۵۹۸) بر حوادث پس از آن تا سقوط صدام، از طریق نظر دوم و بهره‌گیری از نظریه‌ی انتقال منازعه است.

این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی انجام گردیده و از نوع کاربردی (توسعه‌ای) می‌باشد. روش جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و میدانی بوده و با استفاده از روش‌های تحلیل خبرگی تحلیل شده است. جامعه نمونه نیز ۲۱ نفر از مسئولین، صاحب‌نظران و نخبگان جنگ در حوزه‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. در این مقاله تلاش شده است تا از طریق مطالعه اسنادی و مصاحبه با خبرگان جنگ تأثیر راهبرد ج.ا.ایران در مقطع پایانی جنگ (پذیرش قطعنامه ۵۹۸) بر حوادث و رخداد‌های پس از آن تا سقوط صدام را مورد بررسی قرار دهد. لذا قلمرو زمانی تحقیق بازه‌ی زمانی سال‌های پس از پذیرش قطعنامه و پایان جنگ تا سال ۱۳۸۲ و سقوط صدام می‌باشد.

نگارنده با ارائه مدل مفهومی مبتنی بر راهبردهای اولیه و جبرانی و نتایج اولیه و غایی به این مهم رهنمون گردیده که اخلاص و دوران‌دیشی امام (رحمت‌الله‌علیه) در پذیرش قطعنامه ۵۹۸، باعث شد تا جنگ و منازعه از جبهه ایران - عراق به جبهه عراق - متحدان سابق عراق انتقال یابد و در نهایت منجر به حمله عراق به کویت و در نهایت سقوط حکومت بعثی شود. لذا می‌توان نتیجه غایی جنگ ایران و عراق را سقوط صدام و پیروزی انقلاب اسلامی ایران تحلیل کرد که منبعث از اخلاص امام (رحمت‌الله‌علیه) در عمل به تکلیف الهی بود.

واژگان کلیدی: راهبرد دفاعی، قطعنامه ۵۹۸، پیامدهای پایان جنگ، انتقال منازعه، سقوط صدام

۱. استاد دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام)

۲. استاد دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام)

۳. دانشیار دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام)

۴. دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی نظامی دانشگاه عالی دفاع ملی (نویسنده مسئول) Magheghi_M.H@chmail.ir

مقدمه

کمتر از ۲ سال پس از قبول قطعنامه ۵۹۸ و اعلام رسمی آتش‌بس از سوی سازمان ملل متحد که پایان جنگ تحمیلی عراق علیه ج.ا.ایران را رقم زد، رژیم بعث عراق آغازگر جنگی دیگر شده و در سحرگاه ۱۱ مرداد ۱۳۶۹ به کشور کویت حمله کرده و در مدت‌زمان کوتاهی این کشور را به تصرف خود درآورد و این اتفاق آغازی بر شروع جنگ‌هایی دیگر در منطقه از جمله جنگ اول و دوم خلیج فارس شده و در نهایت به سقوط صدام انجامید.

در مورد چرایی حمله عراق به کویت نظرات مختلفی مطرح شده و غالباً از دو روش این مسئله را مورد بررسی قرار داده‌اند؛ در روش اول بر نظریه توطئه تأکید شده است. بر این اساس آمریکا عراق را تحریک به حمله به کویت نمود تا از این راه برخی منافع خود را تأمین کند. نابودی توان (بالقوه) هسته‌ای عراق، ایجاد توازن قوا در خلیج فارس (از طریق انهدام توان نظامی و زیرساخت‌های غیرنظامی عراق که در خدمت ماشین جنگی این کشور بودند)، نابودی صدام به منزله یک رهبر شورشی در جهان عرب و در نهایت فراهم کردن زمینه‌های نظامی، سیاسی و روانی لازم برای حضور مستقیم آمریکا در منطقه با هدف اعمال کنترل نظامی بر منابع نفتی، اهداف عمده‌ای بود که آمریکا در پی کسب آن بود. (اخوان کاظمی، ۱۳۹۰: ۲۶۵)

روش دیگر بر عوامل داخلی عراق و مؤلفه‌های منطقه‌ای تکیه دارد، نگارنده در این مقاله با استفاده از تجربه جنگ ایران و عراق و تأثیرات داخلی و منطقه‌ای پایان جنگ با پذیرش قطعنامه ۵۹۸، توضیح می‌دهد که صدام بعثی که از روحیه استعماری برخوردار بود پس از عدم توفیق در جنگ با ج.ا.ایران و عدم دستیابی به اهداف تعیین شده و با نگرانی از وضعیت داخلی خود اقدام به کویت حمله کرد. در آن شرایط حاکمان عراق از جنبه‌های مختلف نگران محیط داخلی خود بوده و بر این عقیده بودند که در صورت عدم حمله به کویت و آغاز جنگی دیگر شاهد از سرگیری جنگ‌های داخلی در عراق خواهند بود.

نگارنده تلاش می‌کند تا با طرح «نظریه انتقال منازعه» عنوان نماید که ج.ا.ایران با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و پایان جنگ، منازعه را از بین ایران و عراق به جبهه متحدان صدام انتقال داد. پایان منازعه‌ی عراق با ایران و نگرانی از ویرانی‌های ناشی از هشت سال جنگ در داخل عراق به‌ویژه خسارات اقتصادی و بدهی‌های فراوان عراق و عدم دستیابی به اهداف ترسیم شده در ابتدای جنگ از جمله انضمام بخش‌هایی از ایران به عراق و ملغی اعلام کردن قرارداد ۱۹۷۵ از سوی صدام که

می‌توانست عراق را دچار بحران‌های داخلی نماید، تصمیم‌گیران حکومت بعث را به آغاز جنگی دیگر ترغیب کرد، جنگی که با مخالفت متحدان قبلی خود مواجه شده و آغازگر جنگ‌های بزرگ دیگر خلیج فارس اول و دوم شد. البته نمی‌بایست نقش کشورها و قدرت‌های بین‌المللی را در این میان از نظر دور داشت. از این رو هدف این مقاله "بررسی چگونگی تأثیر راهبرد «پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و پایان جنگ از سوی ج.ا.ایران بر حوادث پس از آن تا سقوط صدام در سال ۱۳۸۲ (۲۰۰۳ م)» می‌باشد. بررسی این موضوع از جهات متعددی دارای اهمیت و ضرورت است.

عوامل اهمیت این موضوع عبارت است از:

الف. راهبردهای دفاعی ج.ا.ایران در سال‌های دفاع مقدس - به‌ویژه مقطع پایانی - را برشماری و پس از آن، اهداف اولیه و غایی جنگ را به هم مرتبط نموده و نقطه پایانی دفاع مقدس را «سقوط صدام» عنوان می‌کند.

ب. مفهوم «انتقال منازعه» را وارد ادبیات جنگ و دفاع مقدس نموده و نتیجه غایی پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و پایان جنگ را انتقال منازعه از بین ایران و عراق به جبهه متحدان صدام بیان نموده و انتقال منازعه را حلقه‌ی واسط پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و سقوط صدام قلمداد می‌کند. این مهم می‌تواند توسط کارشناسان و متخصصان امر بسط یافته و مورد بررسی بیشتر قرار گیرد.

همچنین در مقام ضرورت پرداختن به این موضوع می‌توان موارد ذیل را برشماری کرد:

الف. عدم توجه به موضوعات این‌چنینی باعث خواهد شد تا نتیجه غایی جنگ که همانا سقوط صدام بود مورد غفلت واقع شود.

ب. عدم اجرای تحقیقاتی از این دست باعث انقطاع سیر واقعی دفاع مقدس شده و عدم اتصال حوادث پس از پذیرش قطعنامه تا سقوط صدام در سال ۱۳۸۲؛ مقولاتی همانند بازنده شدن ایران در دفاع مقدس و... را رقم خواهد زد که از سوی برخی کارشناسان ارائه می‌گردد.

سؤال اصلی مقاله نیز عبارت است از: "چگونه راهبرد ج.ا.ایران در پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و پایان جنگ، حوادث بعدی را رقم زده و منجر به سقوط صدام در سال ۱۳۸۲ شد؟"

بر اساس آنچه در سطور فوق بدان اشاره گردید، این مقاله درصدد پاسخ به این سؤال اساسی برآمده که "راهبردهای ج.ا.ایران در این مقطع چگونه باعث انتقال منازعه از صحنه نظامی به فضای دیپلماسی شده و جنگ را از بین ایران و عراق به محیط عراق و متحدان سابقش منتقل کرده و در نهایت باعث سقوط رژیم بعثی و در صدر آن، صدام شد؟"

مبانی نظری

— پیشینه تحقیق:

در خصوص موضوع مورد اشاره در این مقاله که بررسی تأثیرات راهبردهای ج.ا.ایران در مقطع پایانی جنگ و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ بر راهبردهای رژیم بعثی عراق و شخص صدام پس از جنگ تا سرنگونی را مورد مطالعه قرار داده است، به طور خاص کتاب، مقاله یا رساله‌ای منتشر نشده و از این منظر می‌توان گفت، موضوع تا حدود زیادی بدیع می‌باشد اما مقاله‌ها و کتاب‌هایی که تا حدودی با موضوع مرتبط بودند یافت گردیده و محقق تلاش نمود از آن‌ها بهره‌گیری کند که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد:

کتاب "حقیقی از جنگ سلطه و سقوط صدام" که توسط گروهی از محققین نیروی زمینی ارتش ج.ا.ایران به رشته تحریر درآمده است. نویسندگان در این کتاب به تشریح چگونگی تجاوز آمریکا به عراق پرداخته و در خلال آن نگاه خود را به اهداف آمریکا از حمله به عراق، شگردها، ابزارها، تجهیزات نظامی و نیروهای طرفین معطوف نموده است. (گروه مؤلفین، ۱۳۸۳)

کتاب "از تکریت تا کویت" نوشته جودیت میلر و لوری میل روا با ترجمه حسن تقی‌زاده میلانی، نویسندگان در این کتاب که تحت عنوان اصلی "صدام حسین و بحران در خلیج (فارس)" نگاشته شده، ضمن پرداختن به زندگی شخصی صدام حسین از بدو تولد تا حمله نظامی به کشور کویت، وقایع پیرامون تجاوز عراق به کویت و جنگ خلیج فارس را مورد بررسی قرار داده‌اند. (میلر، ۱۳۷۰)

کتاب "تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق؛ پیش‌درآمدی بر یک نظریه" که توسط محمد درودیان به رشته تحریر درآمده است. نویسنده در بخش پایانی این کتاب و در قالب یک فصل چالش‌های گذار از جنگ دفاعی به جنگ تعاقبی - تهاجمی را مورد بررسی قرار داده و این سؤال را مطرح کرده است که «ایران با وجود غافلگیری در برابر حمله عراق دفاع کرد و با وجود بی‌ثباتی سیاسی، مناطق اشغالی را آزاد کرد، ولی چرا جنگ را با پیروزی نظامی بر عراق و سقوط صدام خاتمه نداد؟» وی بررسی نقش و تأثیر «قدرت نظامی و کارکرد آن برای تأمین اهداف سیاسی» را کانون بحث قرار داده است. (درودیان، ۱۳۹۵)

مقاله "مناقشات مرزی عراق با همسایگان خود با تکیه بر جنگ دوم خلیج فارس" که در فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل به منتشر شده و نویسنده در این مقاله ضمن بررسی مناقشات مرزی کشور عراق با همسایگان، به طور مشخص به چرایی وقوع جنگ دوم خلیج فارس و حمله ائتلافی به

رهبری آمریکا و ناتو به عراق می‌پردازد. نویسنده ریشه این تنازعات را در ناکامی در جنگ با ایران، هراس از آینده نامطلوب و خودبینی صدام از یکسو که منجر به تجاوز به خاک کویت شده و از سوی دیگر تلاش آمریکا و رژیم صهیونیستی برای تقویت منافع خود در غرب آسیا عنوان می‌کند. (سید، ۱۳۹۵: ۲۴۹-۲۱۹)

مقاله پژوهشی "تجاوز مداوم: تصمیم عراق برای تجاوز به کویت" که به شرایط رژیم بعث عراق بعد از پایان جنگ و چرایی حمله صدام به کویت پرداخته و به این نتیجه می‌رسد که عراق به دلیل ناکامی در جنگ با ایران و نداشتن پاسخ برای افکار عمومی خود مجبور به حمله به کویت شد. (اخوان زنجانی، ۱۳۹۰)

مقاله "اشغال عراق (۲۰۰۳-۲۰۱۱) از دیدگاه نظریه‌های روابط بین‌الملل" نوشته محمدمهدی مظاهری و اعظم ملایی؛ نویسندگان در این مقاله تلاش کرده‌اند با کمک گرفتن از دو تئوری واقع‌گرایی و فمینیسم به بررسی پیامدهای جنگ عراق پرداخته و نتایج اشغال عراق را تحلیل کنند. نویسندگان پس از بررسی‌های علمی به این نتیجه رسیده‌اند که رویکرد واقع‌گرایی درزمینه مباحث خردگرایی (سود و زیان)، توازن قوای منطقه پس از اشغال و قدرت و منافع آمریکا در جنگ عراق از توان تحلیلی بالایی برخوردار است. فمینیسم نیز به لحاظ هستی‌شناسی و روش‌شناسی خاص خود که باعث توجه به نقش افراد و گروه‌های قومی - مذهبی و همچنین مباحث جنسیتی و اخلاقی در جنگ عراق می‌گردد. (مظاهری، ۱۳۹۱)

– مفهوم شناسی:

راهبرد دفاعی: راهی که ما را به هدف می‌رساند، مأموریت را محقق می‌سازد و به چشم‌انداز معنی می‌بخشد، راهبرد نامیده می‌شود (کلانتری و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۱۰) و راهبرد دفاعی به آن مجموعه از طرح‌ها و روش‌ها اطلاق می‌شود که بتوان در آن‌ها با به‌کارگیری ابزار، وسایل، امکانات و توانمندی‌ها به اهداف سیاست دفاعی دسترسی پیدا کرد. (زهدی نسب، بصیرت)

انتقال منازعه: منازعه به وضعیتی گفته می‌شود که در آن یک گروه انسانی معین، قبیله‌ای، قومی، زبانی، فرهنگی، مذهبی، اجتماعی، سیاسی با گروه یا گروه‌های انسانی معین دیگری به دلیل ناسازگاری واقعی یا ظاهری اهدافشان، تعارضی آگاهانه با یکدیگر داشته باشند. جوزف فرانکل

¹ conflict transfer

می‌گوید: منازعه حاکی از وضعیتی است که دو ملت یا دو دولت یا هر گروه از آن‌ها درصدد باشند کنش‌هایی انجام دهند که با یکدیگر ناسازگارند. (جعفری: ۱۳۹۳: ۱۶)

در خصوص فرایندهای حل و فصل منازعه رویکردهای مختلفی بیان گردیده که در این میان رویکردهای «مدیریت منازعه^۱»، «تغییر شکل منازعه^۲» و «حل و فصل منازعه^۳» از سایر اصطلاحات رایج‌تر است. مدیریت منازعه هر نوع پرداختن مثبت به منازعه را در برمی‌گیرد و می‌توان آن را به حل و فصل و محدودسازی منازعات خشونت‌آمیز تعبیر کرد. نظریه‌پردازان مدیریت منازعه بر این باورند که بسیاری از منازعات خشونت‌آمیز را نمی‌توان به‌طور کامل و برای همیشه حل و فصل کرد. بنابراین بهترین کاری که می‌توان کرد مدیریت و محدود کردن آن‌ها و گهگاه رسیدن به سازش تاریخی است.

تغییر شکل منازعه، فرایند تغییر دادن و پرداختن به روابط، گفت‌وگوها و در صورت لزوم وضعیت خاص جامعه‌ای است که از ادامه منازعه خشونت‌آمیز حمایت می‌کند. وایرین با اعتقاد به نظریه منازعه‌ای که بر مفهوم تغییر شکل، بیش از فرونشاندن استوار است، بر اهمیت آن در فهم چگونگی تغییر شکل منازعات در شرایط پویا تأکید می‌کند. رویکرد وایرین اصولاً تحلیلی و نظری است، اما بر انواع مداخله‌هایی که سازندگان صلح باید در نظر داشته باشند نیز دلالت دارد. مواردی نظیر؛ تغییر بازیگران، تغییر ساختاری، تغییر قواعد و تغییر موضوعات.

نظریه‌پردازان حل و فصل منازعه معتقدند در منازعات هویتی و گروهی افراد نمی‌توانند بر سر نیازهایشان با یکدیگر مصالحه کنند مگر اینکه گروه‌های سوم خبره وارد عمل شده و با ارائه راه‌حل خلاقانه منازعه را خاتمه دهند. (گفتگوهای دوجانبه و چندجانبه) (ربیعی، ۱۳۹۰: ۷۰-۶۸)

اما در این میان نظر دیگری نیز مطرح می‌شود که هم «انتقال منازعه» است؛ منتقل کردن عامل و موضوع منازعه از بین دو بازیگر به سایر بازیگران. در این رویکرد یک بازیگر با بهره‌گیری از عوامل مختلف می‌کوشد ضمن مدیریت محیط منازعه، عامل ایجاد منازعه را به صحنه و محیط دیگری منتقل کرده و یک بازیگر را با سایر بازیگران درگیر نماید؛ مانند تغییر فضای منازعه از حوزه نظامی به حوزه دیپلماسی و از بین ایران و عراق به عراق و متحدان سابق خود در جریان پذیرش قطعنامه و پس‌از آن. (محسن رضایی در مصاحبه با نگارنده)

¹ conflict management

² conflict transformation

³ conflict resolution

قطعنامه ۵۹۸: شورای امنیت سازمان ملل متحد پس از مشورت‌های فراوان و با توافق اصولی به عمل آمده و به دلیل عدم موفقیت قطعنامه‌های پیشین خود، در جوی که حملات تهاجمی ایران در داخل خاک عراق عمدتاً با پیروزی و موفقیت همراه بود و احتمال گسترده‌تر شدن جنگ بیش از پیش وجود داشت در تاریخ ۲۹ تیر ۱۳۶۶ (۲۰ ژوئیه ۱۹۸۷) در جلسه‌ی شماره ۲۷۵۰ خود قطعنامه ۵۹۸ را صادر کرد. این قطعنامه پس از بررسی در ۲۶ تیرماه ۱۳۶۷ توسط جمهوری اسلامی ایران پذیرفته شده و در ۲۹ مرداد همان سال آتش‌بس پذیرفته شد.

در این قطعنامه، شورای امنیت با تأیید مجدد قطعنامه ۵۸۲ خود، با ابراز نگرانی عمیق از اینکه علی‌رغم درخواست‌هایش برای آتش‌بس، منازعه بین ایران و عراق، به شدت سابق و با تلفات شدید انسانی و تخریب مادی ادامه دارد؛ با ابراز تأسف از آغاز و ادامه منازعه، همچنین با ابراز تأسف از بمباران مراکز صرفاً مسکونی غیرنظامی، حملات به کشتیرانی بی‌طرف یا هواپیماهای غیرنظامی، نقض قوانین بین‌المللی انسان دوستانه و دیگر قوانین ناظر بر درگیری مسلحانه، به‌ویژه کاربرد سلاح‌های شیمیایی برخلاف الزامات پروتکل ۱۹۲۵ ژنو، با ابراز نگرانی عمیق نسبت به احتمال تشدید و گسترش بیشتر منازعه، مصمم گردید به تمامی اقدامات نظامی بین ایران و عراق خاتمه بخشد. شورای امنیت معتقد کرد که بر اساس مواد ۳۹ و ۴۰ منشور ملل متحد باید یک‌راه حل جامع، عادلانه، شرافتمندانه و پایدار، بین ایران و عراق به دست آید. (سوداگر، ۱۳۹۱: ۱۶۳)

پیامد: پیامد در اصطلاح، حالت، رویداد یا پدیده‌ای است که ممکن است در نتیجه تحقق یک برنامه، فرآیند، پیشامد، تلاش یا هر اقدام و رخداد مشابهی؛ در جوامع و سازمان‌ها و حتی وضعیت افراد رخ دهد و نتایج متفاوتی را در پی داشته باشد. پیامد خود می‌تواند دارای آثار و نتایج متفاوت باشد؛ بنابراین می‌توان از آن به‌عنوان هدف، محصول یا نتیجه نام برد. پیامدها را از نظر بازه‌ی زمانی می‌توان به سه دسته؛ پیامدهای کوتاه‌مدت (۱ تا ۳ سال)، میان‌مدت (۴ تا ۶ سال) و بلندمدت (۷ تا ۱۰ سال) تقسیم کرد. (هدایتی، ۱۳۹۳/۳/۱۵)

با توجه به اینکه پیامد مورد مطالعه در این نوشتار بر اساس مبانی ارائه شده توسط امام خمینی (ره) مفهوم می‌یابد لذا ضرورت دارد تا عبارت «پیامد» را در متون فقهی و دینی اعم از تفسیر و اخلاق بررسی کرد. بر این اساس، معنای عبارت یا کلمه‌ی پیامد را در ذیل واژه‌ی عربی العقیب (به معنای دنباله‌رو و پیامد) و هُوَ عَقِيبُهُ (به معنای او پس از دیگری می‌آید) مورد توجه قرار می‌دهند. (مهیار، ۱۳۷۵: ۶۱۹) این واژه در متون دینی به دو معنای غایت قصوی؛ دارای بار معنایی مثبت و یا

خشتی و «دنباله‌ی یک امر» که نوعاً دارای بار معنای منفی است، بیان شده است. به معنای مثبت غایت‌القصوی: صاحب «کاشف الأسرار»، این معنا را برای توصیف حد اعلای عشق به خداوند به کار برده و چنین می‌گوید: «بدان که اتفافی همه‌ی اهل معقول و حکمت بلکه همه‌ی مذاهب و انبیاء است که غایت قصوی و ذروه‌ی علیا، محبت و عشق خدا است جلّ جلاله و هر چه بعد از او است از رضا و اخلاص و توجّه و انس، فرع و ثمره او است...» (طالقانی، ۱۳۷۳: ۱۶۰). به معنای خشتی: در بعضی از متون اسلامی نیز پیامد به‌عنوان «تالی تلو» به کار برده شده است. از آن جمله می‌توان به مطلبی در کتاب احتجاجات اشاره نمود. در این کتاب در بخش مناظرات امام حسن (علیه‌السلام) و امام حسین (علیه‌السلام) آمده است: «خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيْتِهِ مِنْ رَبِّهِ وَ يُتْلُوهُ شَاهِدًا مِّنْهُ: پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بینه و راهبر از جانب خداست و پدرم پیامد اوست و گواه از جانب خدا است.» (احتجاجات، ج ۱۳۴، ۱۲۵) در معنای منفی: در سند دیگری در کتاب امام شناسی چنین آمده است: «کیفیت روی کار آمدن معاویه» ضمن اشاره به این حقیقت که اعتزال امام مجتبی (علیه‌السلام) از پذیرش امر امارت مسلمین، از پیامدهای قتل عثمان و دوری صحابه از گرداگرد امام امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) دانسته، پیامد را در معنای منفی‌اش در خصوص بلاها و محنت‌هایی که بر مسلمین وارد شد معنا نموده است.» (حسینی تهرانی، ج ۱۸، ۲۷۲) در جای دیگری در کتاب فرهنگ شیعه به شرح زیر آمده است: «انسان دو گونه عمل در دنیا دارد: یکی عملی که به گونه مستقیم انجام داده است و دوم، عملی که خود آن به گونه مستقیم از آن او نیست؛ بلکه پیامد عمل مستقیم او است. ... روایات در این باره از برخی اعمال نام‌برده‌اند همانند پی‌ریزی روشی نیکو که دیگران از آن پیروی نمایند یا فرزندی صالح که برای والدینش دعا کند.» (خطیبی کوشک، ۱۳۸۶: ۱۸۹-۱۹۰)

دکتر محسن رضایی نتیجه و پیامد را این‌گونه تعریف می‌کند: «نتایج همان چیزهایی هستند که بلافاصله بعد از رویداد آن‌ها را می‌بینیم؛ اما نتایج خودشان تبدیل به عوامل جدیدی می‌شوند و یک پیامدهایی را مستقیم در پی دارند که مربوط به همین نتایج است؛ یعنی اینکه نتایج باعث به وجود آمدن آن پیامدها می‌شوند.» (دکتر محسن رضایی در مصاحبه با نگارنده)

راهبردهای کلان دفاعی ج.ا.ایران در مقاطع مختلف جنگ تا سقوط صدام

راهبردهای سطح کلان و ملی ج.ا.ایران که توسط فرمانده معظم کل قوا (مدظله‌العالی) و رهبر عظیم‌الشأن ج.ا.ایران حضرت امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) از ابتدای جنگ تحمیلی تعیین شده بود، از ابتدا «دفاع و جنگ دفاعی» بود و تا پایان جنگ نیز باقی بوده است. اولین راهبرد کلان که در راستای

رویکرد اصلی توسط حضرت امام (رحمت... علیه) تعیین شد، «راهبرد جنگ جنگ تا پیروزی» بود. دومین راهبرد کلان که باز هم در راستای رویکرد «جنگ دفاعی» بود؛ «جنگ جنگ تا رفع کل فتنه» بود. ایشان در پاسخ به منتقدان راهبرد «جنگ جنگ تا پیروزی» با استناد به فرمایشات رسول اکرم (صلی... علیه و آله و سلم) و آیات قرآن کریم می‌فرمایند: «این‌هایی که گمان می‌کنند که اسلام نگفته است «جنگ جنگ تا پیروزی» قرآن می‌فرماید: «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ» سومین راهبرد تعیین شده توسط حضرت امام (رحمت... علیه) راهبرد «راه قدس از کربلا می‌گذرد» بود.

«راهبرد پذیرش آتش‌بس و قطعنامه ۵۹۸ و پایان جنگ» چهارمین راهبرد بود. حضرت امام (رحمت... علیه) در آخرین ماه‌های عمر بابرکت خود در پیامی که در خصوص پذیرش قطعنامه صادر شد به ملت ایران می‌فرمایند: «... به واسطه حوادث و عواملی که از ذکر آن فعلاً خودداری می‌کنم و به امید خداوند در آینده روشن خواهد شد و با توجه به نظر تمامی کارشناسان سیاسی و نظامی سطح بالای کشور که من به تعهد و دلسوزی و صداقت آنان اعتماد دارم با قبول قطعنامه و آتش‌بس موافقت نمودم و در مقطع کنونی آن را به مصلحت انقلاب و نظام می‌دانم.» (صحیفه امام (رحمت... علیه)، ج ۲۱، صفحات، ۹۶-۹۲)

پنجمین راهبرد ج.ا.ایران؛ «راهبرد عدم مداخله؛ نظارت و مراقبت» بود. پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و پایان جنگ ایران و عراق به هیچ‌وجه به معنای پایان تهدید زایی رژیم بعثی علیه ج.ا.ایران نبود و مسئولان کشور همچنان صدام و حکومت بعثی عراق را به‌عنوان یک تهدید علیه منافع ملی مورد توجه قرار می‌دادند وضعیت دو کشور در این شرایط به صورت «نه جنگ و نه صلح» تداوم داشت و با توجه به خوی تجاوزکارانه رژیم صدام احتمال حمله مجدد به ایران همچنان وجود داشت. علاوه بر این محیط منطقه‌ای ج.ا.ایران نیز دچار تحولات بسیار مهمی شده بود که اتخاذ راهبرد دفاعی مناسب با آن محیط را طلب می‌کرد؛ حضور آمریکا در خلیج فارس، فروپاشی شوروی و ظهور منطقه ژئوپلیتیکی جدید در مرزهای شمالی ایران و از بین رفتن محیط با ثبات گذشته از جمله این موارد بود.

در این شرایط ارتش بعثی عراق که به‌رغم برخورداری از حمایت قدرت‌های جهانی و حمایت‌های مالی کشورهای منطقه‌ای بدون دستیابی به اهداف از پیش طراحی شده در جنگ با ایران و با تحمل هزینه‌های اقتصادی و انسانی فراوان مجبور به عقب‌نشینی و پایان جنگ با ایران شده بود به کویت

حمله کرد. تا قبل از حمله عراق به کویت، ج.ا.ایران توفیق چندانی در حل و فصل مسائل مطروحه در قطعنامه ۵۹۸ با عراق کسب نکرده بود و فقط با گرفتار شدن این رژیم در بحران کویت فرصتی برای پیشبرد برخی از اهداف ایجادشده و صدام مجبور به پذیرش مجدد قرارداد الجزایر شده و مقدمات لازم را برای تبادل اسرا و... فراهم ساخت. موضع ج.ا.ایران در مواجهه با این بحران موضع «عدم مداخله و نظارت و مراقبت» بود. (ولی پور رزومی، ۱۳۸۳: ۳۷۷)

ششمین راهبرد؛ «راهبرد بازدارندگی دفاعی (بازدارندگی فعال)»: تجربیات ناشی از جنگ، هر چه بیشتر مسئولان نظام را نسبت به ضرورت توانمندی نظامی کشور واقف ساخت. تداوم ماهیت انقلابی نظام و نیز بی‌اعتمادی موجود در روابط محیطی و بین‌المللی باعث شد تا همچنان حفظ امنیت و رسیدن به توانایی نظامی از طریق خودبسایی نظامی پی‌گیری شود. نداشتن هیچ‌گونه انگیزه در تهاجم به اهداف پیرامونی که با خصلت انقلابی و انسانی نظام نیز سازگار می‌باشد، زمینه را برای اتخاذ **راهبرد بازدارندگی** فراهم ساخت. این استراتژی به‌رغم شکل‌گیری برخی تمایلات در نزد افراد و گروه‌ها مبنی بر برقراری روابط استراتژیک با کشورهای دیگر همچنان پابرجا می‌باشد. وزیر دفاع وقت کشور، استراتژی بازدارندگی کشور را «بازدارندگی مؤثر» می‌نامد. این‌گونه بازدارندگی پیوند عمیق و مؤثری یا «دفاع» و «مقاومت در برابر تجاوز» دارد. (همان، ۵۲۱)

راهبرد دفاعی ج.ا.ایران با دو رویکرد بازدارندگی و نبرد نامتقارن می‌باشد که عنصر اولی بیشتر برای قدرت‌های منطقه‌ای هم‌تراز و عنصر دوم برای قدرت‌های فرامنطقه‌ای که از نظر توان فاصله زیاد و غیرقابل جبرانی با ما دارند را شامل می‌شود. (کدخدایی؛ ۱۳۹۸: ۶۷)

راهبردهای کلان ارتش یعنی عراق در مقاطع مختلف جنگ با ایران تا سقوط صدام:

رژیم بعث عراق با رهبری صدام و به‌منظور دستیابی به اهداف تجاوزکارانه و توسعه‌طلبانه خود در طول جنگ و پس‌از آن راهبردهایی را اتخاذ کرد که در این بخش اهم آن را برشماری می‌کنیم.

۱) سرنگونی نظام جمهوری اسلامی ایران: طه یاسین رمضان (معاون نخست‌وزیر عراق در اوایل جنگ تحمیلی) در مصاحبه با لوموند و نیویورک‌تایمز می‌گوید: ارتش عراق برای مجبور ساختن تهران در شناسایی حقوق عراق وارد خاک ایران (می‌شود) و با پیشروی ۱۰ تا ۲۰ کیلومتر در عمق خاک ایران را سرنگون می‌کند. (بابایی، ۱۳۸۴: ۳۸-۳۷)

۲) تجزیه ایران و تسلط مجدد بر اروند (لغو قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر): صدام حسین در تاریخ ۲۶ شهریور ۱۳۵۹ لغو قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را به‌طور یک‌طرفه اعلام کرد. او طی سخنرانی گفت:

«به‌صراحت می‌گویم با تجزیه ایران که دشمن امت عرب و عراق می‌باشد موافقیم. با تضعیف و تخریب و عدم استقرار چنین کشوری موافق هستیم. شاید این سخن غیر دیپلماتیک باشد؛ اما دیگر بر وحدت ایران اصراری نداریم و لذا شایسته است (ایران) متلاشی‌شده و تجزیه شود. این استراتژی ماست که از مدت‌ها پیش آن را اعلام کرده‌ایم.» (درودیان، ۱۳۹۵: ۱۴۷-۱۴۶)

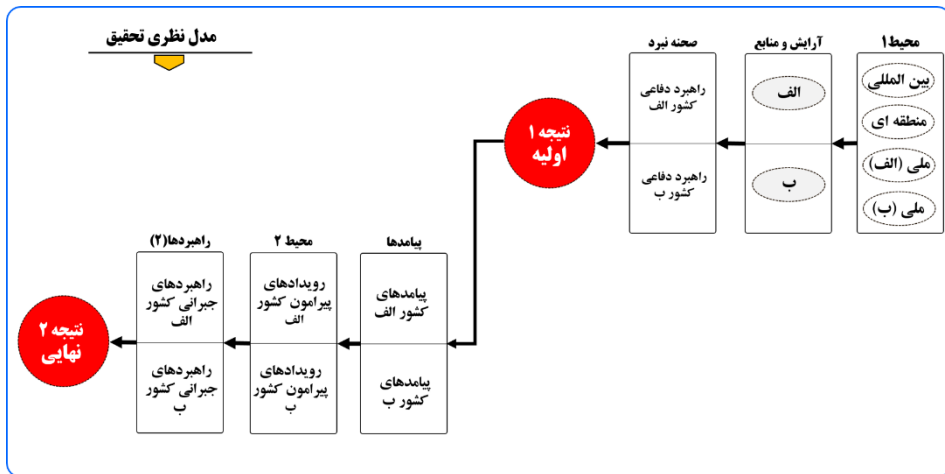
(۳) رسیدن به قدرت منطقه‌ای و رهبری جهان عرب (ژاندارم منطقه): با پایان یافتن تسلط آمریکا بر ایران، عملاً نقش ژاندارمی منطقه که به شاه ملعون و معزول واگذار شده بود منتفی شد و به‌نوعی خلأ قدرت در این منطقه ایجاد شد. صدام حسین که فردی جاه‌طلب بود به فکر افتاد جای جمال عبدالناصر را پرکرده و رهبری جهان عرب را تصاحب نماید لذا بایستی بتواند در منطقه خلیج فارس قدرت علی‌الاطلاق شود. دکتر محسن رضایی پیرامون این موضوع می‌گوید: «تحلیل صدام حسین بعد از وقوع انقلاب اسلامی و از بین رفتن رژیم شاه این‌گونه بود که به وجود آمدن یک قدرت سیاسی قوی در ایران سال‌ها طول می‌کشد... این زمان فرصت خوبی است تا صدام بر اساس طرحی که برای آینده خود داشت، رهبری کل منطقه خاورمیانه را به دست گیرد... لازمه این کار (رهبری منطقه) این بود که جنگی به راه بیندازد و به ایران یا کویت حمله کند ... حمله به ایران برای او محاسنی داشت: اولاً سران دولت‌های عربی را که از صدور انقلاب می‌ترسیدند با خود همراه می‌ساخت. ثانیاً می‌توانست از توانایی آمریکا و شوروی که به ضدیت با انقلاب اسلامی شهره بودند بهره‌مند شود. ثالثاً با این حمله می‌توانست مسائل مرزی و تاریخی خود با ایران را هم حل و فصل کند.» (پورجباری، ۱۳۹۰: ۵۱-۵۰)

(۴) راهبرد حمله به کویت برای فرار از پاسخگویی در ناکامی در جنگ با ج.ا.ایران و خروج از بن‌بست ژئوپلیتیک: به عقیده بسیاری از تحلیلگران مسائل منطقه، جنگ عراق با ایران علت زیربنایی دومین جنگ خلیج فارس بود و مجموعه شرایط داخلی و منطقه‌ای صدام را برای آغاز دومین جنگ در طول یک دهه برانگیخت. لوری میل رواج، پیترو سالینجر و اریک لورن و... در یادداشت‌ها و مقالات مختلف بر این مهم تأکید نموده‌اند. میلر در کتاب «از تکریت تا کویت» می‌نویسد: اگرچه عراق، بعد از هشت سال جنگ با ایران در نزد افکار عمومی ملت خود، صحنه را به‌گونه‌ای ترسیم کرده بود که گویی با دست پُر و پیروزی از این میدان خارج شده است؛ اما گذشت زمان مشکلات متعددی را در برابر رهبران عراق قرار داد که حتی آن‌ها از توان دولت عراق خارج بود. برای نمونه مخارج عراق در طول جنگ با ایران ۲۴۱ میلیارد دلار

برآورد شد که این مقدار از درآمد نفتی عراق در مدت زمان ۶۰ سال (۱۹۹۰-۱۹۳۰) بیشتر بود. بهره بدهی‌های عراق به کشورهای خارجی نیز ۴ میلیارد دلار در سال تخمین زده می‌شد. (میلر، ۱۳۷۰: ۵۰)

حمله عراق به کویت و سقوط صدام: حدود دو سال بعد از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و پایان جنگ ایران و عراق و در سحرگاه ۱۱ مرداد ۱۳۶۹ (دوم اوت ۱۹۹۰ م) صدام مجدداً آغازگر جنگی دیگر در منطقه‌ی غرب آسیا شد. ماشین جنگی عراق با حرکتی برق‌آسا از ساعت ۲ نیمه‌شب تا ساعت ۸ صبح کویت را اشغال کرد. اعلام الحاق کویت و هفت جزیره این کشور، عراق را از موقعیت ژئواستراتژیکی مناسبی برخوردار کرد و مناطق تحت نفوذ این کشور را تا نزدیکی‌های تنگه هرمز گسترش داد. همچنین با توجه به ذخایر نفتی کویت که ۱۰۹ میلیارد بشکه تخمین زده می‌شد، به‌اضافه ذخایر نفتی خود عراق که حدود ۷۵ میلیارد بشکه بود، عراق را به ثروتمندترین کشور منطقه تبدیل کرد. گفته می‌شود ارزش اولیه تسلیحات کویت که طی این حمله در اختیار ارتش عراق قرار گرفت، حدود ۳۰ میلیارد دلار بود که در آن میان، ۱۳۰ فروند هواپیما، ۱۰۰ فروند بالگرد، ۷۰ فروند انواع شناورهای نظامی، ۱۰۰ سکوی متحرک پرتاب موشک ضد هوایی با بیش از ۵۰۰ فروند موشک و ۱۰۰ دستگاه تانک و نفربر تنها بخشی از این تسلیحات بودند. (درویدیان، ۱۳۸۲: ۲۶۶-۲۶۵) اما این پیروزی بزرگ صدام دیری نپایید و به شکستی تلخ تبدیل شد. نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا در خلیج فارس حضور پیدا کرده و در دفاع از کویت به عراق حمله کردند. این حمله موقعیت صدام را بسیار متزلزل کرد و رژیم بعث عراق در آستانه سقوط قرار گرفت. متزلزل شدن رژیم بعث عراق موجب خیزش شیعیان جنوب عراق علیه صدام شد و آمریکا که بیم آن را داشت شیعیان در عراق قدرت را به دست بگیرند و حکومتی همچون ج.ا.ایران در عراق روی کار بیاید، ترجیح دادند صدام همچنان در قدرت باقی بماند؛ اما حدود یک دهه بعد و پس از اعمال انواع تحریم‌ها و فشارها به عراق نهایتاً در سال ۱۳۸۲ با تحمیل جنگ دیگری بر عراق این کشور را تصرف و صدام را سرنگون کردند.

مدل نظری



شکل ۱: مدل نظری تحقیق

امروزه در اغلب مدل‌ها، در کنار نتایج از پیامدها نیز سخن گفته می‌شود. توجه به پیامدها باعث می‌شود که یک رویداد از ابتدا تا انتها به صورت یک پروسه و یا فرآیند مورد توجه قرار گرفته و آثارش نیز به طور کامل دیده شود از این رو در این مدل نظری نیز نتایج و پیامدها توأمان مورد توجه قرار گرفته است. در این مدل به موارد ذیل اشاره شده است:

محیط: محیط‌های تأثیرگذار در موضوع مورد مطالعه در حوزه‌ی بین‌المللی، منطقه‌ای و محیط ملی دو کشور الف و ب مورد توجه قرار گرفته و رفتار آن‌ها مطالعه می‌شود.

آرایش و منابع: در اینجا تعداد متحدان، ائتلاف‌ها و نیروها و منابع ذکر می‌گردد.

صحنه نبرد: در اینجا راهبردهای کشور (الف) و کشور (ب) در مواجهه با موضوع مورد مطالعه ذکر شده و مورد بررسی قرار می‌گیرد.

نتایج: نتایج کشور (الف) و نتایج کشور (ب) که حاصل از اتخاذ راهبردهای خود در صحنه ی نبرد بوده و متأثر از تأثیرات محیط‌های ذکر شده، آرایش و منابع و... است. ذکر این نکته ضروری است که این نتیجه، نتیجه اولیه بوده و نتیجه غایی نیست. نتایج خود تبدیل به عوامل جدید می‌شوند و پیامدهایی را به طور مستقیم در پی دارند که مربوط به همین نتایج است.

رویدادها و راهبردهای جبرانی: بی تردید در اینجا جنگ خاتمه نمی‌یابد و اقدامات و راهبردهای کشورهای الف و ب نتایجی را در پی داشته و رویدادهایی را به همراه می‌آورد. کشورهای الف و

ب برای تداوم و یا جبران آن راهبردها، سیاست‌های جبرانی را اتخاذ می‌نماید که حاصل آسیب‌شناسی رفتار خود در مرحله‌ی قبل و یا جبران خسارت‌های قبلی است. نتیجه نهایی: تفکر در رفتار و عملکرد گذشته راهبردهای جدیدی را در پی داشته و در نهایت نتایج دیگری را در پی خواهد داشت که در این مدل از آن با عنوان نتیجه نهایی یاد شده است.

روش‌شناسی

در این تحقیق، پژوهشگر به دنبال بررسی چگونگی تأثیر راهبرد ج.ا.ایران در پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و پایان جنگ بر حوادث پس از آن تا سقوط صدام در سال ۱۳۸۲ (۲۰۰۳ م) است. از این رو تحقیق به روش تاریخی با رویکرد توصیفی تحلیلی انجام گردید. نتایج پژوهش کاربردی بوده و می‌تواند به‌عنوان یک منبع و سند معتبر مورد استفاده پژوهشگران و مسئولان قرار گیرد. لذا نوع پژوهش کاربردی (از نوع توسعه‌ای استراتژیک) است. جامعه نمونه و آماری تحقیق: ۲۱ نفر از صاحب نظران، خبرگان و نخبگان در حوزه جنگ به‌ویژه کسانی که نسبت به موضوع مورد پژوهش اشراف کلی داشته و در صحنه‌های تصمیم‌گیری کلان و راهبردی حضور فعال داشته و یا ناظر بر این تصمیمات راهبردی بوده‌اند که اعضای شورای عالی دفاع وقت، برخی از اعضای هیئت دولت وقت، فرماندهان و مسئولین نیروهای مسلح، برخی از محققان و صاحب نظران دفاع مقدس، عناصر و صاحب نظران شاخص سیاسی و دفاعی را شامل می‌شود، بوده و روش و ابزار گردآوری داده‌ها نیز پیمایش اسناد و مدارک و مصاحبه با افراد خبره، نخبگان جنگ و مسئولان نظام می‌باشد.

قلمرو زمانی تحقیق سال‌های پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و پایان جنگ در تاریخ ۲۹ مرداد ۱۳۶۷ تا سقوط صدام در سال ۱۳۸۲ است. قلمرو موضوعی بررسی تأثیرات راهبرد ج.ا.ا در مقطع پایانی جنگ و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ بر محیط ملی دو کشور، محیط منطقه‌ای و بین‌المللی بوده و به‌طور ویژه بر تصمیمات عراق پس از پایان جنگ تمرکز دارد. مدل مصاحبه در این پژوهش نیمه سازمان‌یافته بوده و سؤالات از قبل طراحی و در اختیار مصاحبه‌شونده‌ها قرار گرفته است. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز منطبق بر تجزیه و تحلیل خبرگی می‌باشد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های تحقیق

در ادامه به‌منظور تجزیه و تحلیل سؤال‌های تحقیق، سؤالات در اختیار جامعه نمونه که شامل ۲۱ نفر از مسئولان، تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران در حوزه‌های مختلف اعم از سیاست داخلی و خارجی،

نظامی، اقتصادی، فرهنگی که در اتخاذ راهبردها تأثیرگذار بوده و یا از شرایط موجود مطلع بودند قرار گرفت و طی مصاحبه‌هایی موضوع مورد سؤال در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت. در این بخش نقش پایان جنگ ایران را در تحولات بعدی تا سقوط صدام مورد بررسی قرار داده و با کارشناسان و مسئولان امر در میان گذاشته‌ایم؛ اگر پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و پایان جنگ ایران و عراق را نتیجه اولیه اقدامات ایران بدانیم بی‌تردید تحولات بعدی، حمله عراق به کویت، جنگ‌های اول و دوم خلیج فارس و در نهایت سقوط صدام را باید نتیجه غایی تصمیمات راهبردی و الهی حضرت امام خمینی (رحمت... علیه) دانست.

در ادامه برخی از نظرات نخبگان این حوزه را مورد توجه قرار می‌دهیم:

سرلشکر غلامعلی رشید سقوط صدام در سال ۱۳۸۲ را یکی از ثمرات و نتایج مقاومت ایران در برابر عراق و پذیرش عزتمندانه قطعنامه ۵۹۸ در پایان جنگ می‌داند. ایشان با اشاره به ملاقات سرلشکر محسن رضایی - فرمانده وقت سپاه پاسداران - با حضرت امام خمینی (رحمت... علیه)، به نقل قولی از ایشان اشاره کرده و می‌گوید: «... در آن ملاقات امام به آقای رضایی گفته بودند: آقای رضایی ما یک چیزهایی می‌خواستیم اما خداوند - در طول انقلاب - چیزهای دیگری به ما داد. منظورشان همان آیه سوم سوره طلاق است. مثلاً امام می‌خواست برود کویت (بعد از نجف در آغاز انقلاب) ولی خدا به طریق دیگری هدایتش کرد رفت پاریس و خیلی موفق‌تر شد و به سرعت انقلاب اوج گرفت و چه بسا اگر می‌رفت کویت اصلاً این مسائل پیش نمی‌آمد. [امام (رحمت... علیه)] به آقا محسن این جمله را می‌گوید که آقای رضایی من معتقدم در آینده خدا به گونه‌ای دیگر آن چیزی که ما می‌خواستیم را خواهد داد؛ یعنی ما سقوط صدام را می‌خواستیم ولی حکمت در آن بود - این را امام می‌گوید - اما حکمتی در آن بود که در آن سال‌ها نشد؛ اما من اطمینان دارم که خداوند ان شاء الله به ما چیزی خواهد داد که همه خواسته‌ی ما محقق شود و هم بیشتر باشد و ما فکرش را هم نمی‌کنیم از کجا محقق خواهد شد. من یادم هست وقتی که صدام به کویت حمله کرد، ۶ ماه بعد آمریکایی‌ها حمله کردند، آقا محسن به من زنگ زد و گفت: «آقا رشید این همان چیزی است که امام پیش‌بینی کرده بود.» پذیرش قطعنامه یک گامی بود که هم خود صدام و هم مابقی حامیانش به این سمت حرکت کردند و منجر به سقوطش شد.» (سردار رشید در مصاحبه با نگارنده)

سردار حسین علایی نیز ضمن تأیید این دیدگاه، می‌گوید: «... صدام بعد از قبول قطعنامه توسط ایران از نظر روحی شکست خورد و چون شکست خورد دیگر نمی‌توانست مثل قبل پشت سر

نیروها بگوید، بروید... اگر ما قطعنامه را قبول نمی‌کردیم این اتفاقات می‌افتاد؟ قاعدتاً نمی‌افتاد. پس نتیجه خاتمه جنگ ما این حوادثی بوده که اتفاق افتاده است. ولی اینکه برنامه ما باشد، خیر... بالاخره این چیزی است که اتفاق افتاده و صدام به این نتیجه رسید که در جنگ با ایران به‌جایی نرسیده است، بعد کویت و عربستان گفتند ما تو را برای ضد ایران می‌خواستیم نه برای خودت، گفتند پول‌هایی که تا الآن دادیم قرض بوده است، روحیه صدام هم عصبانی بود و گفت من اصلاً برای شما جنگیدم. بعد تصور صدام هم این بود که می‌تواند کارهای بزرگ انجام دهد... ولی فکر این را نمی‌کرده که شکست بخورد و اتفاقاً با این تصمیم بود که نسبت به ما تسلیم شد؛ یعنی تا زمانی که به کویت حمله نکرد قرارداد ۱۹۷۵ را نپذیرفت. حتی اسرا را هم آزاد نکرد یک سال زمان برد تا این کار را انجام داد. در کل می‌توان گفت که اگر خاتمه جنگ ایران و عراق نبود، صدام این تصمیم را نمی‌توانست بگیرد. یک مسئله دیگری هم بود و اینکه آمریکایی‌ها آخر جنگ درعین حالی که استراتژی نه برنده و نه بازنده را داشتند بحثشان در منطقه خاورمیانه مهار دوجانبه بود؛ یعنی هم ایران را مهار کنند و هم عراق را، چون برای عراق هم قائل به قدرت نبودند. مهار عراق در برنامه‌هایشان بود. آقای کنگرلو می‌گوید: آمریکایی‌ها وقتی در جریان مک فارلین آمدند و با ما مذاکره کردند به ما گفتند شما بیاید جنگ را خاتمه دهید ما بعداً صدام را برمی‌داریم. این برای سال ۶۴ است؛ یعنی هنوز سه سال تا پایان جنگ مانده است. احتمالاً صدام این موضوع را فهمیده و گفته من برای اینکه خودم را حفظ کنم باید توسعه قدرت بدهم.» (سردار حسین علایی در مصاحبه با نگارنده)

سردار محمد درودیان که در نوشته‌ها و آثار مکتوب خود این تحلیل را تأیید کرده است در مصاحبه با نگارنده نیز می‌گوید: «... تحول اساسی این بود که بعد از پایان جنگ، موازنه منطقه‌ای به سود عراق تغییر کرد. در نتیجه بعد از ۱۰ سال عراق به‌جای ایران مسئله منطقه شد. این تحول اساسی باعث شد صدام سر از کویت دربیورد. صدام حمله کرد به کویت و وقتی حمله کرد گزینه راهبردی ما از این طرف آمریکاست که مخالف این حمله است و ما هستیم و عراقی که با او جنگ کردیم و الآن جنگ تمام‌شده و صدام یک خطای راهبردی انجام داده و این شده مسئله اصلی آمریکا. خب گزینه ما چه باید باشد؟ من معتقدم که گزینه راهبردی ما عدم تغییر ژئوپلیتیک منطقه توسط عراق بود و ما خواهان یک عراق ضعیف بودیم یعنی آمریکا هم پیروز نشود که او همسایه ما بشود. این استراتژی ما بود که در یکجا با منافع آمریکا تلاقی پیدا می‌کرد، آمریکا هم خواهان

یک عراق ضعیف بود پس عدم تغییر ژئوپلیتیک منطقه و عراق ضعیف منافع ما و آمریکا را با هم منطبق کرد.» (سردار محمد درودیان در مصاحبه با نگارنده)

درودیان در جای دیگری می‌نویسد: «... بنابراین اگر این فرض را بپذیریم که جنگ دوم ریشه در جنگ اول و تبعات ناشی از آن دارد، می‌توانیم این مسئله را به آن اضافه کنیم که نتیجه جنگ دوم، منجر به موافقت مجدد عراق با قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر و عقب‌نشینی این کشور از مناطق اشغال‌شده ایران و آزادی اسرا و در نتیجه موجب گشایش در بن‌بست ناشی از جنگ اول شد که پیروزی سیاسی ایران را در پی داشت.» (درودیان، ۱۳۸۳: ۲۷۵)

سرلشکر فیروزآبادی دستیابی به نتیجه غایی و سقوط صدام را نتیجه اخلاص امام می‌داند، او می‌گوید: «... تحلیل دینی این است که امام (رحمت... علیه) معرفت داشت، اخلاص و شجاعت داشت و توانست به موقع برای رضای خدا به تکلیف عمل کرده و قطعنامه را گرچه تلخ بپذیرد. پاسخ اخلاص امام (رحمت... علیه) بود و پاسخ عمل به تکلیف بود و برکاتی که به واسطه این اخلاص مترتب شد... این را نباید سیاسی تحلیل کنیم.» (سرلشکر فیروزآبادی در مصاحبه با نگارنده)

سرلشکر عبدالرحیم موسوی (فرمانده کنونی ارتش ج.ا.ایران) برخوردار از صدام از ارتش قدرتمند و به تعبیری قدرت‌یابی صدام در اثر حمایت‌های بسیار غرب را دلیل حمله به کویت و الحاق این کشور به عراق عنوان می‌کند؛ «به نظر من حمله عراق به کویت از پیامدهای جنگ ایران با عراق و ناکامی نسبی عراق از دستیابی به اهداف خود در این جنگ و همچنین تشکیل یک ارتش قدرتمند ۶۰ لشگری بود که صدام را وادار و وسوسه به یک ماجراجویی دیگر در منطقه خاورمیانه کرد. به نظر نمی‌رسد حمله به کویت ارتباطی با قطعنامه داشته باشد.» (امیر موسوی در مصاحبه با نگارنده)

سرتیپ دوم بازنشسته عبدالحسین مفید، خروج عراق از جنگ با ایران با دست‌های خالی و بدون دستاوردی که بتواند افکار عمومی کشور خود را قانع کند را عامل تجاوز به کشور کویت قلمداد می‌کند. امیر مفید می‌گوید: «صدام موقعی که قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفت فهمید که حاصل ۸ سال جنگ؛ اقتصاد ورشکسته، بدهی‌های زیاد به کشورهای غربی، ارتشی با حدود ۱/۳۰۰/۰۰۰ نفر روی دستش مانده است. به قول ژنرال‌های عراقی در عراق خانه‌ای نبود که پرچم سیاه یعنی کشته در جنگ با ایران بر سر در خانه برافراشته نشده باشد و نهایتاً بدون هیچ دستاوردی [به جنگ خاتمه داد] اما برعکس در ایران؛ انقلاب اسلامی، نظام و حکومتی برآمده از انقلاب تثبیت شده است و استقلال و تمامیت ارضی، هم حفظ شده است. صدام وقتی قرارداد ۱۹۷۵ را پذیرفت که در

خاک کویت بود. صدام می‌دانست که راهبرد رهبر ایران «راه قدس از کربلا» است و شاید روزی دیگر این تهدید نظامی عملی شود. صدام می‌دانست که نظام بین‌المللی در تمام طول ۸ سال راهبردش حفظ توازن قدرت در منطقه بوده است و لذا به‌هیچ‌وجه حمله و تصرف کویت را بی‌جواب نخواهد گذاشت. صدام می‌دانست که در قبال نخبگان و مردم عراق و نیز در بین مردم و کشورهای غربی که ادعای رهبری آن را داشت در قبال این‌همه تلفات، جنایات و خرابی‌ها و اقتصاد ورشکسته حرفی ندارد و لذا تدبیر حمله به کویت را طراحی و اجرا کرد. صدام به‌خوبی متوجه بود که بعد از ۸ سال جنگ با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ به هیچ‌یک از اهداف خودش نرسید و امروز با ایران قدرتمند روبروست و با توجه به شخصیت و کینه‌توزی او، همان‌طوری که در ۱۹۷۵ قرارداد الجزیره را با تحقیر پذیرفت و این را یک تاکتیک می‌دانست. در نامه ششم خود برای آقای رفسنجانی و پذیرش مجدد قرارداد ۱۹۷۵ هم این را یک تاکتیک می‌دانست. (سرتیپ دوم بازنشسته عبدالحسین مفید در مصاحبه با نگارنده)

«افرایم کارش»، استاد بخش مطالعاتی جنگ کالج «کلینگ» لندن، انگیزه عراق برای حمله به کویت را این‌گونه بیان می‌کند: «اوضاع عراق قبل از جنگ بسیار دشوار بود به همین دلیل صدام برای آن‌که از نظر اقتصادی زنده بماند، به کویت حمله کرد.» (درودیان، ۱۳۸۳: ۲۷۲)

دکتر اخوان زنجانی که فارغ‌التحصیل دانشگاه سوربن و استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه تهران بوده، دلیل اصلی حمله‌ی عراق به کویت را ناکامی این کشور در جنگ با ایران عنوان می‌کند که این ناکامی موقعیت عراق را از ابعاد مختلف با تهدید مواجه کرده بود. او می‌نویسد: «عراق پس از پایان جنگ با ایران و مشاهده تحولات منطقه‌ای و جهانی به این باور رسید که هرگونه امید برای سلطه بر خلیج فارس، رهبری اعراب علیه اسرائیل یا یکپارچه کردن و رهبری جهان عرب را از دست داده است. اکنون نه‌تنها رؤیای او برای تبدیل شدن به ابرقدرت منطقه‌ای بر باد رفته، بلکه به‌سختی می‌توانست انتظار داشته باشد که حتی به شکل یک بازیگر اصلی در ترتیبات سیاسی منطقه‌ای باقی بماند.» (اخوان زنجانی، ۲۷۴)

دکتر محسن رضایی بر انتقال منازعه از فی‌مابین ایران و عراق به عراق و متحدان خودش می‌گوید: «یکی از نتایج حمله صدام به ایران این بود که دست‌خالی برگشت، یعنی جنگ صدام با ایران هیچ دستاوردی برای او نداشت. این جنگ هزینه‌های عظیم انسانی و اقتصادی را روی دست صدام گذاشت. تمام خزانه عراق خالی شد و عراق از نظر اقتصادی نزدیک به صفر شد... این نتایج باعث

شد تا صدام به این فکر بیفتد که سعی کند با تبلیغاتی بدین مضمون که ج.ا.ایران را وادار به پذیرش قطعنامه ۵۹۸ کرده خود را پیروز جنگ قلمداد کند؛ اما دید این استراتژی پیامدهای آن نتایج را جبران نمی‌کند؛ لذا برای اینکه پیامدهای منفی جنگ را جبران کند [به کویت حمله کرد]. بنابراین وقتی صرفاً نتایج را نگاه می‌کنیم می‌بینیم حمله به کویت و سقوط صدام معنا ندارد اما وقتی پیامدها را هم مورد توجه قرار می‌دهیم می‌بینیم حمله عراق به کویت باعث شد که آمریکا وارد شده و عراق را از کویت بیرون کند و درگیری بین صدام و آمریکا اوج بگیرد... بنابراین حمله عراق و جنگ عراق علیه ایران تبدیل شد به صدور جنگ علیه خودشان و ایران توانست این را مدیریت کند و در حقیقت امام سقوط صدام را کلید زد... آن چیزی که امام فرمود این جنگ تا سقوط صدام ادامه دارد، ادامه پیدا کرد و محقق شد.

[حمله عراق به کویت برای جبران اشتباهات و ناکامی‌های خود در جنگ با ایران] و عدم کمک ایران به عراق در جنگ با آمریکا با استراتژی عدم مداخله در جنگ باطل با باطل، این یک استراتژی بود. استراتژی جنگ باطل با باطل به ما کمک کرد که سقوط صدام اتفاق بیفتد. اگر ما به کمک صدام می‌رفتیم، سقوط صدام اتفاق نمی‌افتاد. بنابراین ما پیامدهای جنگ را بهتر از صدام مدیریت کردیم ولی صدام نتوانست پیامدهای جنگ را درست مدیریت کند و منجر به سقوطش شد... ما در جنگ با عراق به تمام اهدافمان رسیدیم؛ حتی سقوط صدام.» (محسن رضایی در مصاحبه با نگارنده)

با توجه به مشروح نظرات و بررسی حوادث و تطبیق آن‌ها بر اساس مدل نظری ارائه شده در پایان، می‌توان چنین تحلیل نمود که نتیجه منطقی و پیامد واقعی پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط حضرت امام خمینی (رحمت... علیه) در مقطع تیرماه سال ۱۳۶۷ و در آن شرایط بحرانی، حوادث و وقایعی است که پس از آتش‌بس توسط صدام به وقوع پیوست. این حوادث منجر به تصرف کویت توسط عراق، ایجاد اجماع جهانی علیه صدام و تشکیل ائتلاف جهانی با حضور ۳۹ کشور به رهبری آمریکا و جنگ‌های موسوم به اول و دوم خلیج فارس و نهایتاً فروپاشی عراق و ارتش این کشور، فرار مفتضحانه و دستگیری حقارت‌بار صدام و در نهایت محاکمه و اعدام او در سال ۲۰۰۴ میلادی (۱۳۸۳) گردید. در این خصوص ذکر نکاتی ضروری به نظر می‌رسد:

۱. برخی بزرگان (همچون سردار محسن رضایی و تا حدی سردار غلامعلی رشید)، تصمیم حضرت امام (رحمت... علیه) را محاسبه‌گرانه و هدایت‌شده از جانب الهی دانسته و آن را به نوعی انتقال صحنه جنگ و مناظره از صحنه ایران و عراق به صحنه داخلی عراق و متحدان صدام

می‌دانند؛ و این پیامد را تحقق شعار سقوط صدام توسط حضرت امام خمینی (رحمت... علیه) ولو با تأخیر بیان می‌کنند.

۲. گروه دیگری از بزرگان در مصاحبه‌های انجام‌شده، اینکه پیامد پذیرش قطعنامه ۵۹۸ عملاً حوادث بعدی و سقوط صدام بوده است را تأیید می‌کنند ولی آن را امری طراحی‌شده، محاسبه‌شده و قابل پیش‌بینی قبلی توسط مسئولین نظام ج.ا.ایران نمی‌دانند. بلکه این مسئله را نتیجه عملی و طبیعی عمل خالصانه حضرت امام (رحمت... علیه) برای خدا می‌دانند؛ و از آنجایی که آن رهبر شجاع خارج از هرگونه هوای نفس و صرفاً خالصانه برای رضای الهی، ادای تکلیف شرعی و الهی و مصلحت امت اسلامی این تصمیم را اتخاذ نمود و با نوشیدن جام زهر قطعنامه آبروی خود را با خدا معامله کرد، لذا خداوند نیز پاسخ این عمل خالص را در تحقق خواسته‌ی آن بزرگوار قرار داد. در اصل این موضوع مصداق آیه‌ی زیر است: «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا»^۱ این نظر توسط بزرگانی همچون سردار رحیم صفوی، سردار فیروزآبادی، دکتر ولایتی، دکتر محمدجواد لاریجانی و... و همین‌طور دکتر محسن رضایی و سردار رشید نیز مورد تأکید قرار گرفته است.
۳. گروه دیگری از بزرگان که مورد مصاحبه قرار گرفته‌اند هیچ ارتباطی بین پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و حوادث پس‌از آن ندانسته و آن را دو مقوله جدا از هم می‌دانند؛ از جمله این افراد به امیر موسوی، امیر بختیاری، بهزاد نبوی، عطریانفر و... می‌توان اشاره نمود.

یافته‌های تحقیق

- حمله عراق به کویت اگرچه اتفاقی ناخوشایند بوده و ج.ا.ایران نیز به سرعت آن حمله برق‌آسای رژیم بعث عراق را محکوم کرد، اما دستاوردهای سیاسی و ژئوپلیتیکی برای ایران داشت. این دستاوردها نیز برخلاف تصور برخی از افراد، بادآورده نبود، بلکه پیامدها و آثار تأخیری مقاومت مردم و نیروهای مسلح ج.ا.ایران در مقابله با ارتش متجاوز صدام بود. این دستاوردها عبارت‌اند از:
۱. بازگشت صدام به معاهده ۱۹۷۵ و پذیرش دیگر خواسته‌های ایران؛ پذیرش معاهده ۱۹۷۵ توسط صدام پس از تحمیل هشت سال جنگ یعنی پذیرفتن شکست و ناکامی در جنگ علیه ایران است؛ چراکه صدام با ادعا در خصوص مسائل مرزی و اروندرود که از مفاد قرارداد الجزایر بود، جنگ را آغاز کرد.

^۱. سوره مبارکه طلاق آیه ۳

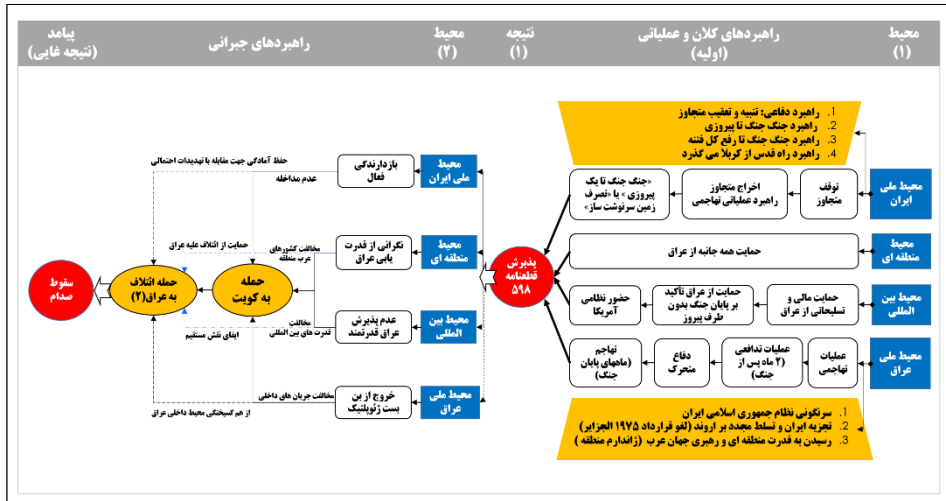
۲. آشکار شدن استانداردهای دوگانه کشورهای غربی و عربی و سازمان‌های جهانی؛ در واقع آن‌هایی که تا چند سال پیش از آن، در جریان تجاوز عراق به ایران از صدام حمایت کردند، در شرایطی قرار گرفتند که صدام را محکوم و او را تجاوزگر دانستند. این اعتراف به نوعی یک پیروزی برای ایران بود؛ چراکه هم صدام محکوم و به‌عنوان تجاوزگر معرفی شد و هم آشکار شد سازمان‌های بین‌المللی، کشورهای غربی و عربی دارای استانداردهای دوگانه هستند.
۳. انتقال منازعه از جبهه ایران و عراق به جبهه صدام و متحدان سابق خود (آمریکا و کشورهای عربی منطقه) و درنهایت سقوط صدام: با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی حضرت امام (ره) که اقدامی عقلانی و منطبق بر دیدگاه‌های خاص حضرت امام (ره) بود، باعث شد تا منازعه به میان عراق و متحدان سابقش منتقل شده و درنهایت منجر به سقوط صدام و روی کار آمدن دولتی اسلامی در عراق شود. آمریکا علیرغم هزینه میلیاردها دلار در عراق نتوانست حکومتی هم‌راستا با سیاست‌های خود را بر سرکار آورد و ج.ا.ایران توانست با سیاست‌های منطقی خود روابط دوستانه و راهبردی را با کشور عراق که دارای مردمانی مسلمان هستند برقرار نماید.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

الف - نتیجه‌گیری:

بر اساس تحقیق و بررسی انجام‌شده، جمع‌بندی نظرات ارائه‌شده توسط صاحب‌نظران می‌توان اذعان نمود که هرچند در زمان اتخاذ راهبرد پذیرش قطعنامه و پایان جنگ هشت‌ساله عراق علیه ایران، هیچ‌گونه طراحی، هدف‌گذاری و حتی پیش‌بینی در خصوص احتمال وقوع حوادث بعدی که منجر به سقوط صدام شد، انجام‌نشده بود، ولی بر اساس تعاریف ارائه‌شده و رابطه‌ی منطقی و علمی بین نتیجه و پیامد، می‌توان به‌طور قاطع این نتیجه را گرفت که آثار پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و پایان جنگ منجر به آزادی اسرا و محکوم شدن عراق به‌عنوان متجاوز (توسط سازمان ملل متحد) و سایر موارد بوده و پیامد این راهبرد نیز، مواجه‌شدن صدام با مشکلات داخلی ناشی از تلفات وارده در اثر جنگ (کشته، مجروح، اسیر و مفقود)، اوضاع نابسامان داخلی و اقتصاد ویران، عدم دستیابی به هیچ‌کدام از اهدافی که به‌واسطه‌ی آن جنگ را شروع کرده بود و همین‌طور آثار و تبعات بین‌المللی از جمله؛ بدهی‌های سنگین به کشورهای عرب منطقه، اروپایی، شوروی و سایر نهادهای بین‌المللی بوده است. این وضعیت صدام را وادار کرد تا برای فرار از پاسخگویی به ناکامی در جنگ با ایران جنگ دیگری را شروع کند که همانا حمله به کویت بود؛ اما حمله عراق

به کویت با مخالفت کشورهای موافق شد که برای جنگ با ایران او را تجهیز می‌کردند لذا منازعه به داخل نظام صدام و متحدان سابقش انتقال یافت که در نهایت سقوط صدام را به دنبال داشت. لذا سقوط صدام پیامد پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و آتش‌بس از سوی ج.ا.ایران ارزیابی می‌گردد



شکل ۲: مدل نهایی مستخرج از تحقیق

در این مقاله تأثیر راهبردهای ج.ا.ایران در مقطع پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و پایان جنگ و حوادث پس از آن تا سقوط صدام در سال ۱۳۸۲ (۲۰۰۳ م) مورد بررسی قرار گرفت. بررسی این مقطع حساس از تاریخ انقلاب می‌تواند به عنوان یک نظریه بیان گردد؛ بدین مضمون که صدام که راهبرد اصلی اش سرنگونی نظام ج.ا.ایران و یا تجزیه و انضمام بخشی از سرزمین ایران اسلامی به خاک عراق بود، به دلیل عدم توفیق در این راهبرد و برای فرار از پاسخگویی به جامعه‌ی عراق، راهبرد جبرانی خود را که حمله به کویت بود در دستور کار قرار داد که این راهبرد هم در نهایت منجر به سرنگونی رژیم بعثی عراق و سقوط صدام شد. در سوی دیگر این میدان نیز این نظریه مطرح می‌گردد که راهبردهای ج.ا.ایران در مقطع پایانی جنگ و پس از آن، باعث انتقال منازعه از بین ایران و عراق به جبهه صدام و متحدان پیشینش شد که در نهایت سقوط صدام و قدرت‌یابی ج.ا.ایران در منطقه را در پی داشت. لذا از این منظر می‌توان نتیجه‌ی غایی جنگ ایران و عراق را سقوط صدام و پیروزی انقلاب اسلامی ایران تحلیل کرد که منبعث از اخلاص امام (رحمت... علیه) در عمل به تکلیف الهی بود. رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) با تأکید بر اهمیت تبدیل تجربیات دفاع مقدس به نظریات علمی در جهت تحقیق، تدریس و پژوهش می‌فرماید: «... نیروهای مسلح ما در

دوران دفاع مقدس و حتی بعد از دفاع مقدس، تجربیات ارزشمندی را به دست آوردند... از این تجربیات باید استفاده شود... بایستی این تجربیات تبدیل بشود به نظریات؛ تجربه تبدیل بشود به نظریه‌های دفاعی و تدریس بشود و تحقیق بشود و اطراف آن پژوهش انجام بگیرد...» (بیانات رهبر انقلاب^(مدظله‌العالی)، ۱۳۹۹/۰۷/۲۱) ایشان همچنین نظام ج.ا.ایران را طرف پیروز در دفاع مقدس عنوان نموده و تصریح می‌کنند: «... پیروزی جمهوری اسلامی در جنگ تحمیلی مثل خورشید روشن است. [اینکه] همه‌ی دنیای قدرتمند آن روز، بریزند سر یک کشور، برای اینکه نظام او را ساقط کنند؛ برای اینکه بتوانند بر او مسلط شوند، برای اینکه بتوانند سرزمین او را تجزیه کنند... و هشت سال همه‌ی توان خودشان را به کار بردند، آخرش هم هیچ غلطی نتوانستند بکنند، پیروزی از این بالاتر؟ این پیروزی نیست؟ ملت ایران پیروزی درخشانی به دست آورد» (همان)

ب- پیشنهادها:

- ۱- بررسی سوابق و پیشینه‌های تحقیق انجام‌شده حکایت از آن دارد که موضوع ارتباط پایان جنگ عراق با ایران و تأثیر آن بر حوادث پس‌از آن به‌ویژه وضعیت عراق و سقوط صدام، فاقد سابقه بوده و کارهای تحقیقی چندانی انجام‌نشده است، از این رو پیشنهاد می‌شود رساله‌های دیگری نیز که در راستای بررسی این موضوع مهم می‌باشد تعریف و اجرایی شود.
- ۲- موضوع «انتقال منازعه» می‌تواند به‌عنوان یک موضوع و عنوان تحقیق، کانون توجه قرار گرفته و به‌عنوان یکی از مصادیق نظریه‌های پایان جنگ مورد مطالعه و تحقیق قرار گیرد.
- ۳- بررسی و پژوهش در مورد مقاطع مختلف دفاع مقدس در دانشگاه‌ها، خصوصاً مراکز علمی نظامی همچون دانشگاه عالی دفاع ملی برای دانشجویان الزامی گردد.
- ۴- وزارت امور خارجه نسبت به تنظیم و انتشار اسناد مربوط به دفاع مقدس و اهتمام بیشتری نشان دهد و در مجلدات منظم آن‌ها را منتشر نماید.

فهرست منابع

- "قرآن کریم"
 - امام خمینی (رحمت الله علیه)، "صحیفه نور"
 - امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، "بیانات"
 - اخوان زنجانی، داریوش (۱۳۹۰)، "تجاوز مداوم: تصمیم عراق برای تجاوز به کویت مندرج در بررسی جنگ ایران و عراق؛ دیدگاه اساتید دانشگاه‌های ایران"، گردآوری فرهنگ رجایی، تهران، نشر مرزوبوم
 - پورجباری، پژمان (۱۳۹۰) "جنگ به روایت فرمانده"، درس گفتارهای جنگ دکتر محسن رضایی میرقائد، تهران، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس
 - جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۹۴)، "چالش‌ها و منازعات در خاورمیانه"، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی
 - خطیبی کوشکک، محمد (۱۳۸۶)، "فرهنگ شیعه"، چاپ دوم، قم، زمزم هدایت
 - درودیان، محمد (۱۳۸۲)، "پایان جنگ؛ بررسی و تحلیل رویدادهای سیاسی- نظامی جنگ از عملیات والفجر ۱۰ تا اشغال کویت"، تهران، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس
 - درودیان، محمد (۱۳۹۵)، "تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق"، تهران، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس
 - ربیعی، حسین و جان پرور، محسن (۱۳۹۰)، "بازیابی مدل تحلیلی حل و فصل اختلاف‌ها و منازعات سرزمینی"، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهارم، زمستان، شماره ۴
 - سوداگر، احمد (۱۳۹۱)، "جنگ و قطعنامه‌های سازمان ملل متحد"، قم، ولاء منتظر
 - سید، محمود و زارع، فاطمه (۱۳۹۵)، "مناقشات مرزی عراق با همسایگان خود با تکیه بر جنگ دوم خلیج فارس"، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال نهم، بهار، شماره ۳۳، صص ۲۴۹-۲۱۹
 - طالقانی، نظرعلی (۱۳۷۳)، "کاشف الأسرار"، جلد ۱، چاپ اول، تهران، فرهنگ معارف اسلامی
 - علی بابایی، داود (۱۳۸۴)، "بیست و پنج سال جنگ در ایران چه گذشت؟"، تهران، امید فردا
 - کلاتری، فتح‌الله و دیگران (۱۳۹۹)، "نقش عوامل ژئوپلیتیکی نظامی بر راهبرد دفاعی ج.ا.ایران در مقابل تهدیدات آمریکا و تکفیری‌ها از مبدأ سرزمینی عراق"، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، سال هجدهم، شماره ۸۱، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی
 - گروه مؤلفین نیروی زمینی ارتش (۱۳۸۳)، "حقایق از جنگ سلطه و سقوط صدام"، تهران، دافوس آجا
 - مظاهری، محمدمهدی و ملایی، اعظم (۱۳۹۱)، "اشغال عراق از دیدگاه نظریه‌های روابط بین‌الملل"، فصلنامه روابط خارجی، سال چهارم، شماره ۴، صص ۱۹۶-۱۶۹
 - مهیار، رضا (۱۳۷۵)، "فرهنگ ابجدی عربی فارسی"، چاپ دوم، تهران
 - میلر، جودیت و میل روا، لوری (۱۳۷۰)، "از تکریت تا کویت"، ترجمه حسین تقی‌زاده، تهران، نشر کویر
 - ولی‌پور رزومی، سیدحسین (۱۳۸۳)، "گفتمان‌های امنیت ملی در ج.ا.ایران"، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی
 - هدایتی، احمدرضا (هدایتی، احمدرضا، ۱۳۹۳/۳/۱۵)
 - همتی، ایرج و صفایی فسخودی، داود (۱۳۹۳)، "دیپلماسی ایران و قطعنامه ۵۹۸"، انتشارات صفحه جدید